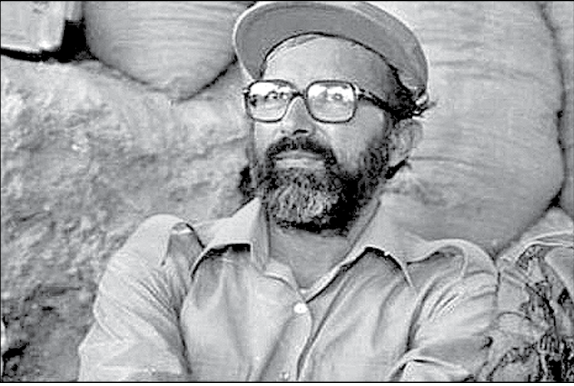




شهید احمد زارعی (شاعر) / امیر حسین فردی (نویسنده) / ابوالفضل عالی (گرافیست) / شهید رسول کاظم نژاد (عکاس) / صفا رزاده(نویسنده) / حمید سبزواری(شاعر) / مهرداد اوستا(شاعر) / نصر الله مردانی (شاعر) / مسعود شجاعی شادابی(کارگرافست) / حبیب الله معلفی (شاعر) / علیرضا قزاق(و شاعر) / محمدعلی گودینی(نویسنده) / علی محمدمودب(شاعر) / اکبر صحرایی(نویسنده) / محمد مهدی سیار (شاعر) / سمین دخت وحیدی (شاعر) / ملواییان(نویسنده و تصویرگر)

قاب

قهوه



مادرم موقع خواستگاری برای مصطفی شرط گذاشته بود که این دختر صبح که از خواب بلند می‌شه یابد لیوان شیر و قهوه جلوش بذاری و ... خلاصه زندگی با این دختر برات سخته.

اما خدا می‌دونه مصطفی تا وقتی که شهید شد، با اینکه خودش قهوه نمی‌خورد همیشه برای من قهوه درست می‌کرد.

می‌گفتم، واسه چی این کارو می‌کنی؟ راضی به زحمت نیستم.

می‌گفت: من به مادرت قول دادم که این کارو انجام بدم.

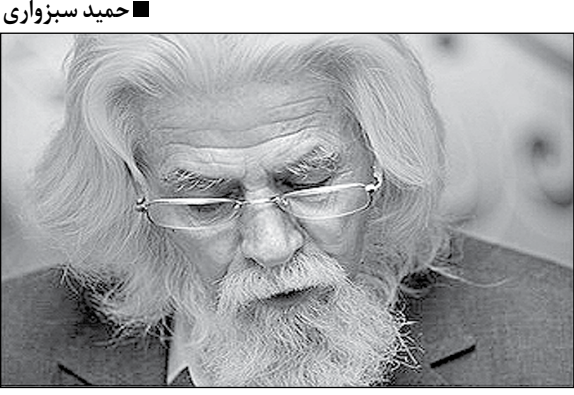
همین عشق و محبت‌هاش به زندگیمون رنگ خدایی داده بود.

افلاکیان- جلد چهارم



شعر

آرزوی دیدار



دست و پا گم کرده کوی تمنای توام
با دو چشم آرزو مست تماشاۓ توام

وصف گلزار جمالت دامن از دستم ربود

همچنان آینه گلچین سراپای توام
مژده دیدار دارم با نگاه اشتیاق

از نسیم و سبزه نورسته جویای توام

مژده دیدار دارم با نگاه اشتیاق

از نسیم و سبزه نورسته جویای توام

با همه لب تشنگان وادی عشق و جنون

در امید جرعه‌ای از شهد مینای توام

مهلتی خواهم که مژگان بر جمالت وا کنم

از اجل منتکش امروز و فردای توام

از خیال کشتنم مگذر که در میدان عشق

صید بسمل کشته افتاده در پای توام

گرچه می‌دانم که می‌آیی و می‌پرسی مرا

در شمار عاشقان ناشکیبای توام

رخوت ساحل‌نشینی شور عصیانم فزود

نار طوفانت کشم، مشتاق دریای توام

راه و رسم دلبران دانی و می‌داند حمید

در جهان دلبری قانع به ایمان توام

دیگران باقی گذاشته‌اند، این‌ها چیزهایی نیست که تمام بشود، این‌ها باید باقی بماند. (سخترانی در دیدار با اعضای شورای سیاستگذاری صدا و سیما ۱۳۶۹/۱۲/۱۴)

• این کتاب افسانه نیست!

سرگذشت پاسداری در کشور ما، یک واقعیت شبیه به افسانه است. اگر همین حالا قطعه‌های متفرقی از زندگی پاسداران فداکار را در کتابی جمع و به زبان‌های دیگر ترجمه کنند، کسانی که در حال و هوای مسائل ایران و هشت سال جنگ تحمیلی و حوادث کردستان و... نبوده‌اند، چنانچه این کتاب را بخوانند، به احتمال زیاد از هر ده نفر، هشت، نه نفر خواهند گفت که این‌ها افسانه و مبالغه است، در حالی که افسانه نیست؛ واقعیت است؛ اما این واقعیت آن‌قدر برتر از سطح عادی زندگی مردم مادی است که برای بشر امروز به آسانی قابل باور نیست.

(سخترانی در دیدار با فرامدهان و جمعی از اعضای سپاه پاسداران انقلاب (۱۳۸۱)۰۶/۲۴)

• با مباحثه آزاد مخالف نیستیم اما با آزادی ویرانگر مخالفیم
خطاست اگر کسی گمان کند، ما که نسبت به مسأله مطبوعات و کتاب و نوشتن و نشر در جامعه حساسیت به‌خرج می‌دهیم، با تفکر آزاد، با فکر آزاد و با مباحثه آزاد مخالفیم؛ نه. ما کسانی هستیم که اولین شعارهای این مسائل را دادیم‌ایم و الحمدلله تا الان هم دنبالش بوده‌ایم؛ اما با آزادی گناه و آزادی ویرانگری مخالفیم، نمی‌شود اجازه داد که نسل جوان یک کشور که به اعتماد ما می‌آید کتاب را از شما می‌خرد و می‌گوید این‌ها متدین‌اند و در رأس کار هستند، از این طریق گمراه یا سلسد شود؛ یا از این طریق دشمن بخواهد کاری انجام دهد.

(سخترانی پس از بازدید از نمایشگاه کتاب در حسینیه امام خمینی (ه) (۱۳۷۸/۱۲/۲۸)

• در جنگال علیه میزبی و سانسور نباید هدف را گم کرد

اگر در تجویز و ارائه دارو، بی‌توجهی کنید و چیزی را در اختیار مشتری کتاب بگذارید که برای او زیانبار است، شما هم ضرر معنوی بزرگی کرده‌اید. در نهایت، به هیچ‌وجه ششانه شما و ششانه ما با بار وزن آن نوشته‌ای که شما وقتی آن را می‌دهید، به زبان تمام می‌شود، فارغ نخواهد بود. این نکته‌ای که ما بارها آن را تکرار می‌کنیم، ناشی از یک منطق و ناشی از یک استدلال قوی است. این‌طور نیست که به خاطر احساسات، یا به خاطر تصورات زودگذر، انسان از آنچه که در عالم نشر و طبع می‌آید از زبانبار است، شکوه کند؛ نه، چون ضرر آن به قدر اهمیت کار تألیف و نشر و انتقال فرهنگ، بزرگ است.

وقتی که یک اثر هنری و یک نوشته و یک عکس، یک تأثیر ویرانگر اخلاقی دارد، این قابل پاسخگویی نیست. جلو این کار فرهنگی را باید گرفت؛ این آن میزبی واجب است؛ در جنگال علیه میزبی و سانسور نباید هدف را گم کرد... این هیچ ربطی ندارد به این‌که ما با فکر آزاد مخالفیم یا مخالفیم، طبیعی است که ما با آزادی‌هایی مخالفیم؛ مگر کسی شک دارد؟ ما با بعضی از آزادی‌ها مخالفیم، ما با آزادی‌های جنسی مخالفیم؛ ما با آزادی گناه مخالفیم و این کاری است که مردم را به این طرف سوق می‌دهد. همین الان در کتاب‌های ما هست؛ کتاب‌های مختلف منتشر شده الان وجود دارد. اگر خوف این نبود که با گفتن من، نام یک اثر غلطی تکرار بشود، اسمش را می‌گفتم. کتابی که جوانان را به‌طور واضحی، با شیوه‌های هنری، به سمت گناه سوق می‌دهد؛ این یک مسأله فکری نیست که ما بگوییم حالا این کتاب منتشر شود، ما هم جلوش را منتشر کنیم؛ این جواب ندارد!

(سخترانی پس از بازدید از نمایشگاه کتاب در حسینیه امام خمینی (ه) (۱۳۷۸/۱۲/۲۸)

• نمی‌خواهیم به مردم بگوییم حتماً این کتاب را بخوانید!

ما نمی‌خواهیم به مردم بگوییم شما حتماً این کتاب را بخوانید، آن کتاب را نخوانید؛ این انواع سلاقی، انواع فکر‌ها، انواع ذهن‌ها، انواع استعدادها، باید در مقابل خودشان میدان بازی داشته باشند، برای این‌که آن‌ها را می‌خواهند، بتوانند انتخاب کنند؛ اما آن چیزی که گمراه‌کننده و فاسدکننده است، ما نباید اجازه بدهیم وارد میدان شود. این، وظیفه ماست، وظیفه دولت است، وظیفه وزارت ارشاد است. اما به همین خاطر، این استثنای مطلبی است که من گفتم؛ ما بایستی فرآورده کتابی زیاد داشته باشیم. (مصاحبه پس از بازدید از یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب (۱۳۷۷/۱۲/۲۸)

• جای کتاب را هیچ چیز بر نمی‌کند!

من فکر می‌کنم اگر بتوانیم فرهنگ کتابخوانی را در کشور رایج کنیم و در کنار آن، تولید کتاب را هم خوب گسترش بدهیم، بخش عمده‌ای از وظایف فرهنگی دولت جمهوری اسلامی، بدین وسیله انجام خواهد گرفت. کتاب، مقوله بسیار مهمی است. من البته به کارهای هنری و تصویری، تلویزیون یا سینما یا از این قبیل مقولات، خیلی اعتقاد دارم؛ اما کتاب، نقش و جایگاه مخصوصی دارد. جای کتاب را هیچ چیز بر نمی‌کند و باید کتاب را ترویج کرد.

(مصاحبه در بازدید از ششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب (۱۳۷۲/۱۲/۲۷)

• دلم سوخت!

چند سال پیش، قبل از مسئولیت آقای افتخار حسینی در دانشگاه تربیت مدرس،

برای بازدید به آن‌جا رفته بودم. در آن‌جا به من شکایت کردند که ما برای خرید

کتاب، هشتاد هزار دلار پول می‌خواهیم ولی نداریم. من واقعا تا آن که دلم سوخت!

البته هیچ امکاتی هم نداشتیم که به آنان بدهم؛ یعنی بودجه و پول و امکانات که در

دست من نبود. آمدم با دولت، ناخست‌ویر، با هر کس که می‌توانستم، صحبت کردم

و بارها آن را تکرار نمودم. هنگامی که صحبت از زر و پول و بعضی از بذل و بخشش‌ها

می‌شد، من آن را به یاد می‌آوردم و می‌گفتم: وقتی که این‌طور نیازها وجود داشته

باشد، سزوار نیست که موارد غیرالویت‌دار را بر این‌ها ترجیح بدهیم؛ علاوه بر این‌که

حالا نیازها وسیع‌تر شده و بالاتر هم رفته است.

(دیدار باوزیر و مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و رؤسای دانشگاه‌های کشور (۱۳۶۸/۱۰/۲۹)

• اگر می‌فرهنگ و تاریخ بودیم...

من می‌بینم که متأسفانه کتاب در جامعه ما، آن مقدار که شأن این جامعه اقتضا می‌کند، رواج ندارد. اگر ما یک جامعه بی‌فرهنگ و تاریخ بودیم؛ جامعه‌ای بودیم که گذشته و کسان فرهنگی بامعرفت و برجسته‌ای نداشت؛ انسان‌های بااستعداد و فهم و دارای بیش و طرز فکر بالا نداشت؛ مثل بعضی از جوامع گوناگونی که در گوشه و کنار دنیا هستند... بی‌رغبتی به کتاب قابل توجیه بوده، اما در جامعه ما با این همه انسان‌های فرهنگی، برجسته، والا، انسانید، مؤلفین، آشنایان با کتاب، شعر، نویسندگان، علمای بزرگ، دانشگاهیان برجسته و عناصر فرهنگی و عالیه، چرا باید آسنا با کتاب این‌طور باشد؟ ما ملایقه و تاریخی ما خبلی زیاد است. جامعه ما اساساً جامعه‌ای پخته و بالغ شده است؛ یک جامعه ابتدایی و بدوی نیست. مردم ما باید بیش از این با کتاب آشنا باشند.

(مصاحبه در جریان بازدید از نمایشگاه کتاب (۱۳۷۴/۱۲/۲۶)

جشنواره جهانی هنر مقاومت و لزوم تعامل با جمعیت دانش‌آموزی

محمد دیندار

نوجوانان اختصاص دارد و بسیاری از موضوعات مهم و مختلف مانند محیط زیست، خانواده، جمعیت و غیره با کودکان و نوجوانان در میان گذاشته شده تا با ورود به این موضوعات و کشیدن نقش‌هایی برآمده از ذات زلال آنها، آن موضوع خود را محقق و تکمیل و بلکه به جهان ریشه دوانده و مهم شمرده شود.

کشور زاین سال‌های میدینی است که جنایت بمباران اتمی هیروشیما را از طریق مسابقات مختلف نقاشی در میان کودکان و نوجوانان کشور خود و سایر ملل زنده نگه داشته است.

کشور نیز این میان بی‌شک موضوع مقاومت در، این موضوع و مفهومی عظیم و جهانی است که با مشارکت کودکان و نوجوانان در آن، ابعاد این مفهوم به خصوص از نگاه پاک این عزیزان، در گستره وسیع‌تری مطرح شده و نسل به نسل گسترش و استمرار خواهد یافت.

در هر حال مدیریت جشنواره هنر مقاومت از طریق تعامل با آموزش و پرورش و سازمان دانش آموزی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، مساجد و نیز

هنر مردمی نقاشی، وقتی با مضمون مردمی مقاومت، به میان متن مردم و پایه‌های جامعه یعنی نسل کودک و نوجوان برده شود، خواهد توانست معجزه نموده و به بالندگی قابل توجهی نائل گردیده و صرفاً به محافل خاص و گالری‌ها، خود را محدود نکند و بلکه به متن جامعه و به میان کودکان و نوجوانان، یعنی آینده‌سازان کشور راه یابد.

البته در کنار نقاشی، رشته‌های دیگری مانند کارتون، کاریکاتور و هنرهای حجمی نیز از رشته‌هایی هستند که کودکان و نوجوانان معمولاً نسبت به آنها علاقه خاصی دارند و همه این‌ها می‌تواند که توجیه به این قشر به طور جدی‌تری در دستور کار مدیران جشنواره هنر مقاومت قرار گرفته و با برگزاری مسابقاتی فراگیر میان کودکان و نوجوان کشور و گستره منطقه و جهان، نهضتی اساسی برای ترویج هنر مقاومت در کشور و جهان شکل داده شود.

امروزه اصلی‌ترین و مهمترین مسابقه‌های نقاشی توسط مجامع مهم فرهنگی و هنری جهان از جمله یونسکو و غیره به کودکان و

قوم هر جا که باید و شاید ضمن هر سخنی؛ نکته‌ای زیبا و حکیمانه و سخنی زیبا و شاعرانه از صاحب سخنی و صاحب‌لیک بیان کنند تا هم به آسانی بتوانند آن چه را در ذهن دارند بیان کنند، هم به فضای همگانی جامه نشاط و زیبایی ببخشند.

در این میان اهل اندیشه و هنر که در عرصه فیلم‌نامه مجموعه‌های داستانی توانمندی ویژه‌ای دارند به خصوص در سبک کودک‌در و نشان دهنده به تنین کودک‌در و هنر به مدرسه به کتب معلمین و پدر و مادر و دیگر اعضای خانواده با شور و شوق به آن می‌پردازند.

به همین دلیل چنین ظرفیتی در جامعه و کشور می‌تواند که جشنواره جهانی هنر مقاومت که یکی از شاخه‌های آن نقاشی است، بخش اعظمی از سرمایه‌گذاری خود را معطوف به کودکان و نوجوانان نموده و این جشنواره و مقامین هنر مقاومت را در مهم فرهنگی و هنری جهان از مدارس و نهاد خانواده گسترش دهد.

نشود و برای پاسداری از زبان فارسی در روزگار از آنها بهره گرفته نشود بیم این می‌رود که (عصر نبرد واژگان) از سوی بیگانگان مورد تاخت و تاز قرار بگیرد و آرام آن نام و نشان ایرانی بودن ما به وادی فراموشی سپرده شود.

مدتی پیش جایی گفتم:

نسل جدید، روح زبان فارسی را نمی‌شناسد. به این، بی‌چون و چرا

به معنای فراموش شدن زبان گفتاری روزانه نیست؛ بلکه

تپه شدن زبان فارسی از جان است. باید بپذیریم در این روزگار در عصر نبرد واژگان قرار داریم، باید بپذیریم یک تصویر برابر هزار کلمه است؛ تعبیری گمراه‌کننده است؛ نه! یک کلمه برابر هزار تصویراست...

امروزه شبکه جهانی تولید فکر و اندیشه می‌کوشند زبان‌های فرهنگ‌ساز را از درون تهی سازند تا مردمان صاحب فکر را از آفاقسازنده اندیشه‌های

از تعریف زبان و جایگاه گسترده آن در زندگی امروزی‌ست. زبان فارسی میراث گوهر بهای گذشتگان ماست که با بهایی گران به روزگار ما رسیده.

زبان فارسی بخش جدایی‌ناپذیر هویت ملی و والاترین نشان ایرانی بودن ماست. همین زبان فارسی از جان آن، آثار جوادانی خلق شده که در هر جای این جهان که باشیم به آنها

زبان‌شناسان و جامعه‌شناسان هر یک تعریف ویژه‌ای دارد تا جایی که علوم ساختار شناسی زبان‌ها چه زبان قومی زبان‌های ملی و منطقه‌ای یا زبان‌های جهانی هر روز زیرشاخه‌های جدیدی پیدا می‌کنند؛ اما بی‌چندوچون نگاه ما متفاوت از نگاه زبان‌شناسان است و آنچه که پایه و مایه این نوشتار است همان مفهوم کلی

کسانی هستند که متخصص این کارنده شما باید آنها را در این‌جا داشته باشید، از آنها مشورت بخواهید و به آن مشورت بدهید.

(بیانات در دیدار اعضای شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت (ع) (۱۳۷۰/۱۱/۲۴)

• بهترین چاپ برای یک کتاب تفرقه‌افکن!

من دیدم که اخیراً کشورهای عربی، این کتاب «تفه اثقه اثقی عشریة» نوشته حافظ غلام حلیم دهلوی را - که خود کتاب، کتاب تفرقه‌افکنی و برانگیزنده اختلافات است و در حقیقت بر ضد و ذم شیعه و در مدح اهل بیت است - خلاصه کرده‌اند و با زبان عبر و با بهترین چاپ و با فهرست و با تصحیح منتشر نموده‌اند. این کتاب شاید مثلاً در صدوبیجاه سال قبل - یعنی در زمان شاه ولی‌الله دهلوی - نوشته شده است، که مرحوم «هرمیداح حسین» همین کتاب «حقیقات» را در جواش نوشت. ما شبیهان هنوز چاپ‌شده کتاب «حقیقات» با این عظمت را نداریم؛ حالا اگر چاپ هم بشود، آیا می‌تواند در محافل علمی دنیا، با آن عظمت و ضخامت و فارسی، عربی مخلوط مطرح بشود؟ این خودش جای بحث دارد.

(بیانات در دیدار اعضای شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت (ع) (۱۳۷۰/۱۱/۲۴)

• کتاب‌هایی که کسی از آنها خبر ندارد

من از کتابخانه آستان قدس رضی مشهد خواستم که فهرست کتب فقهی چاپ نشده‌شان را برای ما بفرستند؛ حدود سیصدخونده‌ای عنوان کتاب برای من فرستادند. اما بعضی از این کتابها را می‌بیند، ولی نمی‌شناسد؛ اما بیادست که کتاب مهمی باید باشد. فرض کنید ملای معروفی مثل شیخ جعفر کاشان‌الغطاء، مثلاً درباره مسأله‌ای تحقیق کرده؛ این قاعدتاً پرمطلب است. در میان آن کتابها، هم از قدما و هم از متأخرین کتاب دیده می‌شود. کتابهایی هست که کسی آنها را نمی‌شناسد و از آنها خبر ندارد؛ همین‌طور آن‌جا مانده است.

(بیانات در دیدار اعضای شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت (ع) (۱۳۷۰/۱۱/۲۴)

• بگردیم برای کتاب‌های بهتر

حدود سال ۶۹ یک رمان فرانسوی به نام «خانواده تیبو» منتشر شد، که نویسنده معروف فرانسوی - رژه مارتین دوگار- آن را نوشته است. این رمان چهار جلدی که بیش از دو هزار صفحه است، در ظرف مدت کوتاهی دو بار چاپ شد - که من چاپ دومش را دارم - لابد جاذبه داشته است که برای بار دوم چاپ می‌شود. ما باید برای کتاب مثلاً صدوبیست صفحه‌ای کلی تلاش کنیم، تا یک مشتری پیدا بشود! این چهار جلد کتاب، البته با همان گرایش‌های اومانستی‌سنی قرن نوزدهمی و اوایل قرن بیستمی است؛ با یک قصه‌نویای خیلی قاطع و مطلق و تعصب‌آمیز ضد مذهبی و البته ضد جنگ، گرایش عمده‌اش، ضد جنگ بین‌الملل اول است. چه کسی این کتاب را ترجمه کرده است؟ همین آقای ابوالحسن نجفی که در تشکیلات ادبیات مربوط به انقلاب و فلان وزارت حضور دارد. البته خیلی هم قشنگ و خوب ترجمه کرده؛ اما محتوا آن‌طوری است. چنین چیزهایی را دارند ترجمه می‌کنند؛ می‌شود گشت چیزهای خوب‌تری پیدا کرد.

(بیانات در دیدار اعضای مجمع نویسندگان مسلمان (۱۳۷۰/۱۱/۲۴)

• کتاب‌هایی که برای مردم مضر است

من اعتقاد ندارم که باید هر کتاب و نوشته‌ای را که با سلیقه خاصی نمی‌سازد و مضر به‌ظرف می‌رسد، جلوش را بگیریم؛ لکن کتب و نوشته‌هایی هست که مضر نشانان برای مردم، واضح است؛ یعنی ترویج فحشا و فساد و از این قبیل است که برای مردم زیان‌آور است، نباید اجازه بدهند که چنین کتب و نوشته‌هایی منتشر شود. اما بیشتر باید تلاش کرد که کتاب‌های خوب، چاپ و منتشر شود.

(مصاحبه در بازدید از ششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب (۱۳۷۲/۱۲/۲۷)

نشود و برای پاسداری از زبان فارسی در روزگار از آنها بهره گرفته نشود بیم این می‌رود که (عصر نبرد واژگان) از سوی بیگانگان مورد تاخت و تاز قرار بگیرد و آرام آن نام و نشان ایرانی بودن ما به وادی فراموشی سپرده شود.

مدتی پیش جایی گفتم: نسل جدید، روح زبان فارسی را نمی‌شناسد. به این، بی‌چون و چرا به معنای فراموش شدن زبان گفتاری روزانه نیست؛ بلکه

زبان فارسی جان‌مایه پایداری فرهنگی

محمدمیرکیانی

تپه شدن زبان فارسی از جان است. باید بپذیریم در این روزگار در عصر نبرد واژگان قرار داریم، باید بپذیریم یک تصویر برابر هزار کلمه است؛ تعبیری گمراه‌کننده است؛ نه! یک کلمه برابر هزار تصویراست...

امروزه شبکه جهانی تولید فکر و اندیشه می‌کوشند زبان‌های فرهنگ‌ساز را از درون تهی سازند تا مردمان صاحب فکر را از آفاقسازنده اندیشه‌های برداشت و پرداخته شود. بزرگان

برخی از داشته‌های ما

در زندگی روزانه آن‌قدر

آسان و بی‌چند و چون

دست به دست می‌شوند که

خواسته و ناخواسته ارزش

آنها به چشم نمی‌آید. یکی

از این داشته‌های گرانبها

زبان ارجمند فارسی است

که گویا از بسیار دیدن، آن

را نمی‌بینیم!

زبان در تعریف

از تعریف زبان و جایگاه گسترده

آن در زندگی امروزی‌ست.

زبان فارسی میراث گوهر

بهای گذشتگان ماست که با

بهایی گران به روزگار ما رسیده.

زبان فارسی بخش جدایی‌ناپذیر

هویت ملی و والاترین نشان

ایرانی بودن ماست. همین زبان

فارسی از جان آن، آثار جوادانی

خلق شده که در هر جای

این جهان که باشیم به آنها

زبان‌شناسان و جامعه‌شناسان هر یک تعریف ویژه‌ای دارد تا جایی که علوم ساختار شناسی زبان‌ها چه زبان قومی زبان‌های ملی و منطقه‌ای یا زبان‌های جهانی هر روز زیرشاخه‌های جدیدی پیدا می‌کنند؛ اما بی‌چندوچون نگاه ما متفاوت از نگاه زبان‌شناسان است و آنچه که پایه و مایه این نوشتار است همان مفهوم کلی